

مراتب عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



مرتبۀ اول عزاداری

در این مرتبه عزادار فقط در قلب خود از مصیبت وارده بر سیدالشهدا (علیه السلام) غمگین و ناراضی است؛ بدون اینکه غم و ناراضی خود را معمولاً بروز دهد. این مرتبه کمترین درجه عزاداری است؛ و پایین تر از آن، مرتبه دشمنان حضرت است یعنی مرتبه ای که شخص به مصیبت های حسینی آگاه شود و ناراحت نگردد و به آن راضی باشد. درباره این گروه در زیارت وارث چنین می خوانیم:

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ

خداوند لعنت کند امّتی را که تو را کشتند و به تو ظلم کردند؛ و خداوند لعنت کند امّتی را که خبر چنین جنایتی را شنیدند و به آن راضی شدند

(مفاتیح الجنان)

کسانی که در مرتبه اول عزاداری هستند، از هر دین و آیینی که باشند به خاطر اندوه قلبی شان برای مصیبت امام حسین (علیه السلام) در نزد خداوند از ثواب و پاداشی به تناسب عقیده شان برخوردار می شوند.

عظمت مقام اهل بیت (علیهم السلام) به قدری است که کوچکترین کاری که برای آنها صورت گیرد، با پاداش های بزرگی از ناحیه آنها جبران خواهد شد. حال اگر يك كافر هم خدمتی به آنها کند یا ادبی را نسبت به آنها رعایت نماید، چون شخص کافر در آخرت اهل نجات نیست، پاداش او را در دنیا به او می دهند و اگر شخص،

کوچکترین سنخیت و آمادگی را داشته باشد، چه بسا پاداش اهل بیت (علیهم السلام) موجب هدایت او نیز می شود.

مرتبه دوم عزاداری

در این مرتبه عزادار غم و نارضایتی خود را به شکل های گوناگون از قبیل گرفتگی چهره، گرفتن حالت بغض و گریه (تباهی)، گریه کردن، پوشیدن لباس عزا، به سینه و سر زدن و ... بروز می دهد و در این کار گاهی تنها و گاهی به همراه دیگران عزاداری می کند.

عزادار در این مرتبه نوعی انس و الفت و نیز نوعی کشش و نیاز به آن حضرت پیدا می کند و همین یافت درونی و نیز انس غریب، او را وادار می کند که برای آن حضرت گریه کند و در عزاداری ایشان شرکت کند.

گرایش عزاداران کلیمی، مسیحی و پیروان سایر مذاهب - که برای امام حسین (علیه السلام) گریه می کنند - همچنین احساسی که نسبت به آن حضرت دارند، نشان دهنده این حقیقت است که حضرت برای آنها يك "غریب آشنا" است.

معمولاً نفوذ این "غریب آشنا" به درون قلب عزادار و ایجاد محبت و شدت گرفتن آن، رفته رفته او را به سوی مرتبه سوم عزاداری می کشاند.

مرتبه سوم عزاداری

در این مرتبه که شیعیان حضرت بیشترین اعضای آن را تشکیل می دهند، عزادار تنقّر و اعتراض خود را به آملین مصیبت و جنایتکاران در حق سیدالشهدا (علیه السلام) و یارانش و بطور کلی همه اهل بیت (علیهم السلام) اظهار می کند و بر آنها لعن و نفرین نثار می کند؛ آنچه موجب شده که عزادار از مرتبه دوم به مرتبه سوم ترقی کند، شناخت و معرفتی است که عزادار به وجود مقدس سیدالشهدا (علیه السلام) پیدا کرده و اعتقاد بالاتری است که نسبت به مقام آن حضرت و فهم محدود و نسبی درباره قیام ایشان در برابر یزید و یزیدیان یافته است.

همچنین علاوه بر موارد ذکر شده، شدت یافتن محبت به آن حضرت، عواطف عزادار را رقیق تر نموده است تا جایی که عزادار در درون خود از يك سو به عنایت حضرت و از سوی دیگر به گریه و آه و سوز برای ایشان و نیز اعلان برائت از قاتلان او احساس نیاز بیشتری می کند. در این مرتبه عزاداری به نیت کسب ثواب، برآورده شدن حاجات و عرض ادب صورت می گیرد.

عزادار در مرتبه سوم با تجلیات گوناگونی از عظمت امام حسین (علیه السلام) و خاندان و اصحابش آشنا می شود. در این حال احساس می کند که ماندن در مرتبه سوم او را اشباع و راضی نمی کند و به همین خاطر در این مرتبه عطش و ظرفیت بیشتری برای درك عظمت محمد و آل محمد (علیهم السلام) و به خصوص سیدالاشهدا (علیه السلام) در خود احساس می کند، که دیگر توجیه ها و توضیح های مداحان و بعضی گویندگان و نویسندگان که خود نیز در مرحله سوم قرار دارند، روح تشنه او سیراب و قانع نمی کند، چرا که هرکس به اندازه فهم خود از امام حسین و سایر معصومین (علیهم السلام) می گویند و می خوانند ولی عزادار به خوبی احساس می کند که حقیقت، بالاتر از چیزی است که آنها می گویند.

مرتبه چهارم عزاداری

اساساً آنچه عزادار را از مرتبه سوم که مرتبه "مشترك" بین مسلمین و غیرمسلمین است، بالاتر می برد و در گروه عزاداران و شیعیان حقیقی معصومین (علیهم السلام) وارد می سازد، صفای باطن و بالا رفتن میزان محبت و معرفت او نسبت به حقایق جهان است.

چگونه ممکن است درباره وجود با عظمت این انوار طیبیه (علیهم السلام) آن طور که شایسته است بگویند و بنویسند. هیچکس به جز خداوند عظیم و اعلی نمی تواند وجود معصومین (علیهم السلام) را آن طور که شایسته است معرفی و توصیف نماید. بنابراین پس از مدتی که از سلوکش در مرتبه سوم می گذرد و مجهولات و پرسشهایش به اوج می رسد، و او را تحت فشار قرار می دهد، به سراغ خداوند تبارك و تعالی که خالق محمد و آل محمد (علیهم السلام) است و نیز به سراغ خود ایشان می رود تا او را به معرفت جدید برسانند و عطش او را برطرف کنند. او پس از جستجو و پرهیز از کسالت و تلاش پیگیر و نیز مشورت با اهل علم و دانش، به خصوص روحانیت و علمای دین، که آشناترین مردم به خدا و دین خدا و معصومین (علیهم السلام) هستند - و خود مراتب چهارم و پنجم را طی کرده اند - به منابع معرفتی و اطلاعاتی مهمی دست می یابد.

مهمترین منابع شناخت معصومین (علیهم السلام)

قرآن کریم، زیارت عاشورا، جامعه کبیره، زیارت ناحیه مقدسه

عزاداری در این مرتبه وسیله ای برای احیا و حفظ ارزش های مقدّس است که اهل بیت (علیهم السلام) به خاطر آنها به شهادت رسیدند. این مراسم از دروغ، حرام، تحریف و اختلافات به دور است و مردم با شرکت در این مجالس بیش از پیش با دین و وظایف خود آشنا می شوند.

همچنین، مجالس عزاداری در این مرتبه محل "شناخت و نیز پیدا کردن روح انتقام" است. مراسم عزاداری در این مرحله، رنگ و بوی سیدالشهدا (علیه السلام) دارد. روح و حقیقت سیدالشهدا (علیه السلام) بر آن حاکم است. این نوع مجالس از طرفی مردم را با حقیقت و جایگاه سیدالشهدا (علیه السلام) آشنا می کند و از طرفی همان کاری را می کند که ایشان در کربلا کردند؛ یعنی آثار وجودی حضرت (نجات مردم از جهالت و خروج از گمراهی و تاریکی، مهمترین توصیه بزرگان دین به برپائی مجالس عزای حسینی) را منتقل می کند و بین مردم و حضرت شباهت بوجود می آورد.

گریه برای عزادار در این مرتبه صرفاً يك عمل احساسی نیست؛ بلکه وسیله ای برای زنده نگه داشتن پیام عاشورا برای نسل امروز، بالا بردن سطح معرفت مردم و پیوندشان با اهل بیت (علیهم السلام)، تبعیت از گریه های حضرت زهرا (علیها السلام) (گریه ای سیاسی و جهت دار) و آزار و تهدید غاصبین خلافت و دشمنان امیرالمؤمنین است.

به فرموده شهید مطهری که خود بسیار اهل گریه و عزاداری حقیقی بود؛ "گریه بر شهید شرکت در حماسه او است".

مرتبۀ پنجم عزاداری

عزادار در این مرتبه که کامل شده مرتبه چهارم است از صفای باطن بالاتر و معرفتی عمیق تر برخوردار است، به مودّت نسبت به اهل بیت (علیه السلام) و نیز به برائت از دشمنان ایشان دست یافته است و بیشتر به "عمل" روی می آورد؛ در این مرحله عزادار، نه تنها بر آنچه در کربلا بر حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش گذشته است متأثر، گریان و می باشد بلکه در اعمالش آنچه را که دین مبین اسلام و اهل بیت (علیه السلام) برای کمال انسانی بیان کرده اند در وجود خویش بالفعل می سازد، گویی همگام با امامش در کربلا و روز عاشورا در برابر ظلم، فساد و جهل زمانه به پا می خیزد

مراحل سه گانه احیای خون امام حسین (علیه السلام):

1) لعن و برائت زبانی، از آنجا که قطع یا ضعیف کردن رابطه انسان ها با خداوند و معصومین علیهم السلام بزرگترین جنایت و خیانت در زندگی آدمیان است، تمامی کسانی که در طول تاریخ تاکنون در این جنایت دست داشته اند، مورد لعن خداوند و فشته های الهی و پیامبران قرار می گیرند.

معانی لعن : 1) دور بودن از رحمت و هدایت الهی و جدا بودن از راه خوشبختی

2) طلب عذاب و نفرین برای عاملین چنین ظلمی

در زیارت عاشورا سه گروه از دشمنان، مورد لعن و برائت زبانی قرا گرفته اند که عبارتند از :

1) دشمنانی که با تغییر مسیر خلافت و غصب آن، ظلم های بعدی از جمله جنایات در روز عاشورا را پایه گذاری کردند.

2) دشمنانی که امام حسین (علیه السلام) و اصحابش را به شهادت رساندند و یا مقدّمه آن جنایت را با سکوت و یا همکاری با لشکر دشمن فراهم کردند.

3) دشمنانی که بعد از عاشورا به وجود خواهند آمد تا روز قیامت.

2) لعن و برائت عملی : دوری از فرهنگ تسلط و تسلط فرهنگی دشمنان اسلام و پرهیز از اخلاق و عقاید آنان .

امام صادق (علیه السلام) فرمودند : دروغ می گوید کسی که ادعای دوستی ما را می کند و از دشمنان ما برائت نمی جوید. بحار الانوار، ج 27 ، ص 58

3) جهاد با دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السّلام و حداقل، محدود کردن قدرت آنان تا نابودی کاملشان ؛ دفاع از حق فطری انسانها - که همان توحید است - لازم و مبارزه با عامل کفر و شرک ضروری است. در آیات قرآن نیز وجوب جهاد در برابر کسانی که درصدد خاموش کردن نور الهی هستند مورد توجه قرار گرفته است (سوره توبه، آیه 32 - سوره انعام ، آیه 26 و ...).

در این مرحله، عزادار با نگاه ابدی و صحیحی که به انسان از یک طرف، و به دین و رهبران معصوم (علیه السلام) از سوی دیگر دارد و در سایه آگاهی دقیق نسبت به زمان خود ، دشمنان حیات انسانی و ابدی انسان ها و موانع حقیقی رشد و سعادت آنها را می شناسد و جهادی مبتنی بر محبت همیشگی به انسان ها را برای نابودی آفات و موانع حیات الهی و انسانی ، آغاز می نماید.

پیوند عزادار حقیقی با منتقم خون امام حسین (علیه السلام)

دو عامل عاطفی و معرفتی که در وجود عزادار در این مرحله ، شدت گرفته است، در او کششی مستمر به سوی وجود مقدّس امام زمان (عج) ایجاد می کند؛ چرا که انتقام خون امام حسین (علیه السلام) جز با ظهور منتقم اصلی ممکن نخواهد بود و عزادار به یکی از مهم ترین و بالاترین مقاماتی که ممکن است یک انسان به آن برسد ، نایل می شود و آن مقام " انتظار" است.

و اینجاست که برای عزادار " کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا " معنا پیدا می کند؛ بدان معنی که در هر مکان و زمانی از گناه، ظلم و ... دوری می جوید و با ظالم و مفسد مبارزه می کند. از سپیده دم تا شامگاهان در اندیشهء احوال بشریت بوده و آزادگی را سرلوحهء حیات خویش قرار می دهد.

بر گرفته از کتاب عزادار حقیقی ، اثر: